

دزه بین

زنجیره تبهکاری های مرد سارق در ۳ استان
مار کوپولوی سارق به زندان رسید



شهروند | سارق حيله گر در ۳ استان کشور مثلث جرم تشکیل داد. مرد جوانی که زنجیره تبهکاری هایش را به ۳ استان کشور کشانده بود در عملیات پلیسی دستگیر شد. این مرد جوان که با طراحی نقشه های مجرمانه کلکسیوني از جرایم سرقه، زور گیری، اغفال و فریب دختران جوان را در پرونده اش دارد هرگز تصور نمی کرد دردی از خود بر جای گذاشته باشد.

سرتقد در تهران

رازگشایی از تبهکاری های این مرد جوان زمانی فاش شد که راننده یک خودروی نیسان در بزرگراه آزادگان هدف سرقتی خشن قرار گرفت. ۱۸ خردادماه مرد میانسالی با مراجعه به کلانتری ۱۵۲ خانی آباد، ادعا کرد وقتی برای چک کردن آب رادیاتور خودرواش در چند فروشگاه بزرگراه آزادگان توقف کرده، سر نشین یک موتورسیکلت با حمله به او، خودرو را به همراه اموالش سرت کرد است. این مالباخته در حالی که آثار ضرب و شتم توسط سارق خشن روی بدنش مشخص بود در رابطه با جزئیات این حادثه به مأموران گفت: «من راننده یک شرکت پخش کننده پمپ آب هستم. پمپ های آب را به ارزش ۱۰۰ میلیون تومان در قسمت بار خودروم قرار داده بودم و می خواستم به محل خراب شده و به همین خاطر برای تعمیر آن در کنار بزرگراه توقف کردم. ناگهان یک موتورسیکلت هوندا به من نزدیک شد، در چند قدمی من بود که ناگهان موتورش را رها کرد و لنگد محکمی به من زد، روی زمین افتاده بودم که متوجه شدم پشت فرمان خودروم نشسته و به سرعت متواری شد. با شکایت این مرد مالیات تحقیقات کار آگاهان برای شناسایی این سارق خشن آغاز شد.

فروبی در کرمان

چندی پیش دختری فریب خورده با مراجعه به پلیس آگاهی کرمان با اعلام سرقه خودروش به کار آگاهان گفت: «با پسری به نام امید آشنا شده بودم، او خودش را مهندس معرفی کرده بود و می گفت در شرکت ساختمانی در تهران مشغول به کار است. چند روزی از ارتباطم گذشت که به من پیشنهاد ازدواج داد، باورش کرده بودم و هرگز تصور نمی کردم طعمه یابشیم به همین خاطر به بهانه خرید برای شب خواستگاری خودروم پرایدم را قرض گرفت. بعد ساعت بعد وقتی با او تماس گرفتم، تلفنش را خاموش کرده بود، چند روزی صبر کردم تا این که مطمئن شدم او یک سارق حرفه ای بوده که با وعده ازدواج من را فریب داده است.» با این شکایت هم کار آگاهان دست به تحقیقات گسترده ای برای دستگیری متهم پرونده زدند.

در شکایت جداگانه ای در مشهد دختری جوان با مراجعه به پلیس آگاهی از مردی شکایت کرد که در پوشش خواستگار میلیون ها تومان پول را از کارتش برداشت کرده و سپس متواری شده است. این دختر فریب خورده به کار آگاهان گفت: «چندی پیش در خیابان پاسر جوانی آشنا شدم، او که ادعا می کرد خانواده اش ساکن تهران هستند وعده داد تا یک هفته دیگر به خواستگاری من می آید، رفتارش عادی بود و به همین خاطر به او شوک نکردم تا این که او به بهانه این که حقوقش را دریافت نکرده، کارت عابر بانکم را قرض گرفت تا برای روز خواستگاری سنگ تمام بگذارد. چند روزی از این ماجرا گذشت تا این که با پیامک های بانک متوجه شدم همه حسابم خالی شده بعد از آن خواستگار قلبی دیگر جواب تلفن هایم براندا. «تحقیقات کار آگاهان اداره آگاهی مشهد در رابطه با دستگیری این خواستگار سارق در حالی آغاز شد که سرنخی طلایی در اختیار مأموران قرار گرفت. کار آگاهان با ردیابی برداشت پول از این کارت عابر بانک موفق به شناسایی مرد جوانی شدند که هم زمان به دلیل شکایت مدیر یک هتل در بازنشست به سر می برد. در این شکایت هم مشخص شده بود که او به عنوان خدمتکار در یک هتل مشغول به کار شده اما مدتی قبل مدیر این هتل متوجه سرقه از مسافران اقامتگاهش شده است. با کنترل دوربین های مدار بسته مشخص شد که سارق این هتل همین خدمتکار جوان است.

مثلث جرم ایام جداگانه

وقتی این پسر متهم در برابر قانون قرار گرفت هیچ کم تصور نمی کرد و همان تبهکار فراری است که کار آگاهان در تهران و کرمان به دنبال او هستند. با راجع این پرونده به دادسرای ناحیه ۳۴ تهران تحقیقات این زن مرد مرزمو آغاز شد. این سارق سیاد ۳۵ ساله که مجید نام داشت در اعترافش گفت: «۳۵ سال دارم و برای پیدا کردن کار از بروجرد به تهران آمدم تا این که تصمیم گرفتم به تنهایی دست به سرقت بزنم، اما برای این که توسط پلیس شناسایی نشوم بعد از اجرائی کردن نقشه های سرتقم از آن شهر نقل مکان کردم. به همین خاطر ۳ شاکي در ۳ استان کشور دارم.»

تحقیقات برای روشن شدن زوایای مبهم این پرونده و جرایم احتمالی که ممکن است این سارق حرفه ای در شهرهای دیگر هم مرتکب شده باشد، ادامه دارد.

گزارش «شهروند» از پرونده های مجرمانی که برای نجات

خانواده شان دیگران را قربانی می کنند

مجرمانی که اتفای دزد شده اند

سیمما فراهانی ا هوس میانبر زدن دارد. زودتر رسیدن مدت هاست در ذهنش نقش بسته. با خود می گوید حتما در بیراهه راهی می یابد. راه خلاف، وقتی همه درها را بسته دید، به سمت تاریکی قدم برداشت. می دانست همیشه پلیس یک قدم جلو تر از مجرمان گام بر می دارد اما فقط به رفتن فکر می کرد. «زدی تنها راه فرار از مشکلاتم است.» این جمله ای است که توانست او را در مسیر یبندازد که در آخر با پشیمانی پیوند خورد، اما نمی دانست که اصلاً چنین راهی وجود ندارد، حتی اگر با اعداد و ارقام هم حساب کنیم متوجه می شویم که اصلاً ممکن نیست فردی در زمان کوتاهی به موفقیت هایی به اندازه تمام زندگی اش دست پیدا کند.

او که تا دیروز در بالین مادرش نقش پسر مهربان را بازی می کرد امروز برای نجات مادر بیمارش در خیابان ها طعمه هایش را شکار می کند تا سنانرایی سرتقم را اجرائی کند. کم نیستند کسانی که با کوچکترین مشکل در زندگیشان، به سراغ دزدی می روند و با انتخاب پرخطر ترین راه، تصمیم می گیرند یک شبه پولدار شوند. ریسک می کنند، خطر را به جان می خردند و با نابودی خود و خانواده دست به بازی می زنند که برگشتی ندارد. خودخواهی این مجرمان مسیری را پیش روی آنان قرار می دهد که دیگران قربانی راه میانبر این تبهکاران می شوند.

افزایش خلاف های اتفای

جمشیدی باز پرس سابق دادسرای جنایی تهران که تاکنون پرونده های زیادی در این خصوص بررسی کرده است، در گفت و گو با «شهروند» می گوید: «پرونده های زیادی را مورد بررسی قرار دادم. در همه آنها متهمان را روی اجبار دست به خلاف زده بودند. مهمترین آنها دو جوان زور گیری بودند که محارب شناخته شدند. یکی از زورگیران که کمتر از ۲۰ سال داشت به خاطر تامین هزینه جراحی مادرش دست به سرقت و زورگیری زده بود. در بازجویی ها پشیمان بود. ولی پشیمانی هیچ سودی نداشت. اعدام شد. او هزینه جراحی مادر را با مرگ تامین کرد. در ابتدا باید مجرمان را دستمبندی کنیم. مجرمان با لقمه و مجرمانی که به خلاف عادت کرده اند. اما مجرمانی هم داریم که اتفای هستند. این دسته از افراد در یک شرایط خاص به صورت اتفای دست به خلاف می زنند و اجبار و مشکلی که برای آنها به وجود آمده باعث شده آنها دست به چنین کاری بزنند. کاری که اکثر آنها را با پشیمانی همراه می کند. این دسته از افراد پتانسیل جرم ارتدازند و به خاطر شرایط خاصشان به یک مجرم خللاک تبدیل می شوند. یا خلاف عادتشان می شود.»

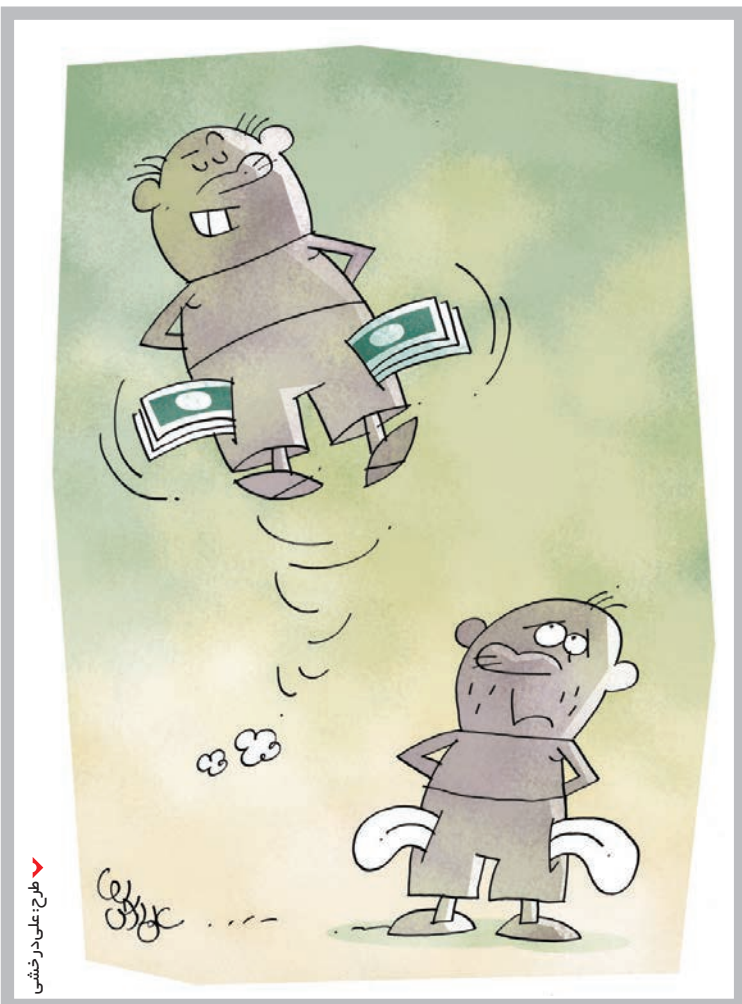
باز پرس جنایی به حل آسب های اجتماعی اشاره می کند و می گوید: «جلوگیری از سرتقم و خلاف این دسته از افراد، به حل آسب های اجتماعی برمی گردد و باید در ابتدا برخی از مشکلات در جامعه ریشه کن شود. حل مشکل بیکاری، مشکل مسکن و خیلی از مشکلات دیگر در جامعه به کاهش چنین سرتقم هایی کمک زیادی می کند. به عنوان مثال من خودم پرونده ای را بر بررسی کردم که در آن مرد جوانی بیکار بود و همسرش زیاده خورده. این مرد برای برآورده کردن توقعات همسرش، دست به سرقت زده بود. دزدی برایش یک حرفه شده بود. این مجرم اگر بیکار نبود قطعاً به سراغ چنین خلافی نمی رفت و عاقبتش پشت میله های زندان نبود. او برای جلوگیری از طلاق، دزدی می کرد ولی در نهایت همسرش نیز از او جدا شد. یعنی هم همسرش را از دست داد و هم خودش پشت میله های زندان افتاد. برای همین خللاک ها که به نظر من روز به روز رو به افزایش است، راه حلش در جامعه است نه قانون.»

تأمین امکانات برای جلوگیری از خلاف
 در کل هر انسانی یک هویت اجتماعی دارد. یعنی تمام تأثیرات خود را از اجتماع می پذیرد. در واقع این جامعه است که به انسان می گوید چگونه رفتار کند. حالا در این میان انسان هایی هستند که نیازهایی برایشان به وجود می آید. پیدا کردن راه حل برای برآوردن این نیاز ممکن است نایربری هایی به وجود بیاید. نایربری هایی که فرد احساس کند، نمی تواند حق خود را از جامعه بگیرد. فرسیدید یزدانی یک جامعه شناس در گفت و گو با «شهروند» در این خصوص می گوید: «احساس نایربری در جامعه خیلی از افراد را به سمت رفتار های ناپیه هنجار سوق می دهد و باعث می شود که برای برطرف کردن این نایربری دست به هر کاری بزنند. حتی خلاف.»

یزدانی در ادامه می گوید: «وقتی فردی به خاطر نجات جان مادرش یا فرزندش از بیماری به سراغ دزدی می رود، در جامعه دچار احساس نایربری شده و نتوانسته به آنچه می خواهد برسد. برای همین تصمیم می گیرد هرطور شده خودش را با کسانی که همانند او گرفتار هستند، برابر کند. همین می شود که به سراغ دزدی و زورگیری و خلاف می روند و رفتارهای مجرمانه خود را از سر می گیرند. حتی

یزدانی در ادامه می گوید: «وقتی فردی به خاطر نجات جان مادرش یا فرزندش از بیماری به سراغ دزدی می رود، در جامعه دچار احساس نایربری شده و نتوانسته به آنچه می خواهد برسد. برای همین تصمیم می گیرد هرطور شده خودش را با کسانی که همانند او گرفتار هستند، برابر کند. همین می شود که به سراغ دزدی و زورگیری و خلاف می روند و رفتارهای مجرمانه خود را از سر می گیرند. حتی

یزدانی در ادامه می گوید: «وقتی فردی به خاطر نجات جان مادرش یا فرزندش از بیماری به سراغ دزدی می رود، در جامعه دچار احساس نایربری شده و نتوانسته به آنچه می خواهد برسد. برای همین تصمیم می گیرد هرطور شده خودش را با کسانی که همانند او گرفتار هستند، برابر کند. همین می شود که به سراغ دزدی و زورگیری و خلاف می روند و رفتارهای مجرمانه خود را از سر می گیرند. حتی



فرصت بزرگ برای دزدی

با کمی بررسی متوجه می شویم که جامعه تا حد امکان باید برخی از نیازهای اصلی مردمش را تأمین کند و به سراغ آموزش های لازم در این زمینه برود تا بتوان از جرم های آنی جلوگیری کرد.

به خاطر دختر معلوم دست به دزدی زد

فریده هم از آن دسته کسانی است که خللاک فریده اما به خاطر دختر معلولش دست به دزدی زد. او وقتی شوهرش به زندان افتاد، تصمیم گرفت با دزدی خرج دختر معلولش را در بیاید. نمی دانست که با این کار او هم به زودی دستش رو می شود و دخترش را هم تحویل بهزیستی می دهند. این زن ۲۵ ساله سناریوی سرتقم هایش را در فروشگاه ها درست را بگیرد. از طرف دیگر نیز جامعه باید تا حد ممکن امکانات لازم برای افرادی که دچار بحران می شوند و مشکلات و گرفتاری بزرگی گریبانشان را می گیرد فراهم کند. به نظر من اگر این امکانات برای افراد جامعه وجود داشته باشد، چنین کسانی که بدون هیچ تجربه خلافی، دست به دزدی و زورگیری می زنند، قطعاً انتخاب های بهتری برای حل مشکلاتشان خواهند داشت. هیچ کس دوست ندارد دزدی کند و دست به خلاف بزند و قطعاً هر کس این کار را انتخاب می کند می داند که راه خلاف شرع و قانون را انتخاب کرده است. در این میان هستند افرادی که از روی ناچاری دست به خلاف می زنند اگر امکانات لازم برای این دسته از افراد در جامعه وجود داشته باشد، آنها را دیگری جز خلاف را انتخاب خواهند کرد.»

راه اندازی NGO های آموزشی
 هادی معتمدی یک آسیب شناس نیز در خصوص سه اصل که هر انسانی باید در هر شرایطی از آن برخوردار باشد، به «شهروند» می گوید: «این سه اصل انعطاف پذیری، دوراندیشی و منطقی بودن است. من معتقدم که اگر هر انسانی این سه ویژگی را در خود داشته باشد، می تواند در بدترین شرایط نیز درست ترین تصمیم را بگیرد. وقتی کسی انعطاف پذیر باشد، قطعاً می تواند تغییرات و سختی های زندگی خود را در یابد و با آن کنار بیاید. به عنوان مثال یک پزشک ممکن است در زندگی اش با شکست مواجه شود و برای تأمین هزینه های خانواده اش حتی به سراغ مسافرت کشی بخرد. این یعنی فرد توانسته خودش را با شرایط وفق دهد و تصمیم درست را بگیرد. حتی اگر مجبور شود کاری را انجام دهد که نمی خواهد. بعد از آن فرد اگر دوراندیش باشد، پیش از انجام هر کاری اول به عواقب آن فکر می کند و سپس از سرنشین تمام زوایای کارش دست به عمل می زند. در این صورت می تواند بهترین راهکار را انتخاب کند. در آخر نیز منطقی بودن به فرد کمک می کند که هر کس بتواند حتی در بدترین شرایط نیز درست ترین راه را انتخاب کند و با خود بسنجد که آن راه مطابق با عرف جامعه و حتی دین و شرع است یا نه. برای همین به نظر من هر انسانی اگر این سه ویژگی را دارا باشد می تواند در بدترین شرایط نیز تصمیم درست را بگیرد. اما افرادی که هنگام سختی های زندگی شان در لحظه تصمیم می گیرند و خلاف ترین راه را انتخاب می کنند، قطعاً این سه ویژگی را دارا نیستند.»

وی می افزاید: «به نظر من برای آموزش این دسته از افراد، باید آن جی اوهای در این خصوص راه اندازی شود و در هر منطقه در این محلها با مشارکت های مردمی، این موضوع فرهنگ سازی شود، تا هر کس بتواند در هر شرایطی بهترین راه را انتخاب کند و دست به کاری نزنند که آخر پشیمان شود. مردم جامعه باید آموزش ببینند که در شرایط سخت چگونه رفتار کنند تا به خود آسبیبی برسانند و نه جامعه.»

او هم چند وقتی می شد که به زندان افتاده بود و ۵ سال به او حبس داده بودند. دیگر کسی نبود که خرج زندگی ما را بدهد. من تنها شده بودم و باید یک فکری به حال دخترم می کردم.

نخستین باری را که دزدی کردی یادت است؟

نخستین بار سه ماه پیش بود که دست به دزدی زدم. آن روز از خانه بیرون آمدم و می خواستم هرطور شده پولی برای غذا و خرج درمان دخترم پیدا کنم. شوهرم یک ماهی بود که حبس بود و من هم هیچ پولی نداشتم. از مقابل یک خانه رد می شدم، درش باز بود. وسوسه سرتقم به جانم افتاد. به سرعت وارد خانه شدم ولی خیلی ترسیدم و بلافاصله فرار کردم. جرأت نکردم وارد خانه شوم. اما می خواستم هرطور شده مثل شوهرم و آموزش هایی که به من داده بود، دست به دزدی بزنم تا پولی به دست بیآورم. به یک فروشگاه رفتم. آنجا خیلی شلوغ بود و همه برای خرید آمده بودند. آن فروشگاه مواد غذایی بود که همیشه مشتری زیادی داشت. صفهای مقابل صندوق طولانی بود. فرصت را غنیمت شمردم و به داخل جمعیت رفتم. از جیب یک مرد کیف پولش را دزدیدم و فرار کردم. بعد از آن هر روز همین کار را می کردم و بدون این که کسی متوجه شود، دست به جیب بری می زدم.

حالا که دستگیر شدی دخترت پیش چه کسی می ماند؟
 فکرم می کشم او را تحویل بهزیستی می دهند. بیچاره دخترم هم پدرش به زندان رفت و هم مادرش.

آزیر

نجات ۴ جوان از منطقه یخی

۴ روستایی باتلاش نجاتگران جمعیت هلال احمر شهرستان باغملک از مرگ نجات یافتند. وقتی شورای روستایی آسماری امدادگران هلال احمر را در جریان ناپدید شدن یک جوان و آنفر همراهش قرار داد، تیم ۵ نفره نجات به منطقه مورد نظر اعزام شد. رئیس جمعیت هلال احمر باغملک که خود فرماندهی این عملیات را بر عهده داشت، گفت: تیم نجات پس از ارزیابی منطقه به کمک مردم محلی، منطقه مورد نظر را شناسایی و عملیات نجات را آغاز کرد. وی با اشاره به بروز باران شدید و صعب العبور بودن ارتفاعات افزود: ۴ نفر گمشده پس از جست و جوی تیم نجات پیدا شدند اما با توجه به شرایط خاص منطقه، ارتفاع زیاد و سرمزادگی و ایجاد مصدومیت، تیم ۵ نفره امداد و نجات در کوهستان جمعیت هلال احمر باغملک به منظور انتقال مصدومان به دامنه کوهستان، به منطقه آسماری فراخوانده شد. بنابر اعلام روابط عمومی جمعیت هلال احمر، علیزاده با بیان این که آسبیدیدگان پس از اجرائی عملیات نجات در کوهستان به موفقیت به دامنه ارتفاعات منتقل شدند، تصریح کرد: این عملیات ۸ ساعت به طول انجامید و ۴ جوان صدمه دیده پس از انجام کمک های اولیه به سیاه چادرهای خود منتقل شدند.

خارج از مرز

مرگ ۱۲ نفر در برف کوچ افغانستان

شهروند | ۱۲ نفر بر اثر سقوط بهمین زیر توده های برف در افغانستان جان باختند. برف کوچ در روستای کجیل ولسوالی راغستان این ولایت فرود آمده و خسارات مالی هم داشته است. عبدالله همایون رئیس مبارزه با حوادث طبیعی بدخشنان به می می گفت که هشت خانه زیر برف رفته و ساکنان محل تلاش می کنند محل را پاکسازی کنند. آقای همایون می گوید مردم محل و آسبیدیدگان این برف کوچ به کمک فوری نیاز دارند. بدخشنان در شمال شرقی از ولایت های کوهستانی افغانستان است که زمستان های سختی دارد. کمک رسانی به آسبیدیدگان روستاها و ولسوالی های این ولایت به دلیل راههای دشوار گنر، همه ساله مشکلاتی در پی دارد.

واژگونی قایق ۱۰۰ مسافر بنگلادشی

قایق ۱۰۰ مسافر بنگلادشی در رودخانه «پادما» واژگون شد. این قایق که حامل بیش از ۱۰۰ مسافر بود، روز یکشنبه پس از برخورد با قایق ماهیگیری در ۲۰ کیلومتری شمال داکا، پایتخت این کشور واژگون شد. بنابر اعلام مقامات داخلی بنگلادش، تاکنون از تلفات احتمالی این حادثه خبری منتشر نشده است. به گزارش خبرگزاری رویترز، کم ارتفاع بودن سطح خشکی در بنگلادش، پایین بودن استانداردهای ایمنی موجب وقوع حوادث دریا در این کشور می شود که اغلب تعداد تلفات ناشی از آن به صدها تن می رسد.

بازار چه مرزی عمده فروشان
کلیه اقلام مواد غذایی و پروتئینی ایرانی و خارجی مستقیم از واردکنندگان و تولیدکنندگان ارسال به شهرستان ها ارزانتر از همه جا
 ۰۹۱۵۲۰۸۷۷۵۵ - ۰۹۱۵۲۰۷۱۱۸۸

پذیرش آگهی های روزنامه شهروند:
 ۴۴۹۵۶۲۰۰ - ۲
 www.shahrvand.agahia@gmail.com

آمادگی همگانی در برابر حوادث (شماره ۹)

جمعیت هلال احمر
 موسسه آموزش عالی علمی - کاربردی هلال احمر ایران

تأمین آب پس از سوانح موضوع مهمی است که در این شماره به نکاتی در باره آن اشاره می کنیم

منابع آب
 در شرایط بحران، منابع آب فاقد خطر عبارتند از: یخ، آب موجود در هیتر (اگر هیتر آسبیب ندیده باشد) و آب جاری در سیستم لوله کشی. منابع نامطمئن عبارتند از: آب موجود در رادیاتورها، آب موجود در بویلرها (سیستم گرمایشی خانه) آب برکه ها، آب فلاش تانکها، آب استخرهای شنا و حوض ها

قبل از استفاده از آب منابع نامطمئن برای شرب، تهیه غذا یا شستشوی مواد خوراکی، شستشوی ظروف غذا، مسواک زدن و تهیه یخ، باید آب را تصفیه کرد. آب آلوده غیر از بو و طعم بد، حاوی میکروب هایی است که موجب بیماری هایی از جمله اسهال خونی، وبا، حصیه و هیپاتیت می شود. چندین روش برای تصفیه آب وجود دارد، اما هیچکدام از آنها کاملاً قابل اطمینان نیستند. بهتر است از مجموعه ای از این روش ها استفاده کرد. قبل از تصفیه، باید صبر کرد تا ذرات معلق در آب ته نشین شده یا به کمک چای صافکن یا چندلایه پارچه تمیز آن را صاف کرد. باید در کیف نجات امکانات لازم برای روش تصفیه مورد نظر وجود داشته باشد.

سه روش برای تصفیه آب نامطمئن در شرایط اضطراری یعنی شرایطی که آب تمیز در دسترس نیست یا آب ذخیره رو به اتمام است، مورد استفاده قرار میگیرد.

جوشاندن
 جوشاندن مطمئن ترین روش تصفیه آب است. در یک کتری یا قوری نسبتاً بزرگ، آب باید حدود یک دقیقه تمام جوشانده شود. بخشی از این آب بخار خواهد شد. قبل از مصرف این آب، باید اجازه داد تا کاملاً سرد شود. با استفاده از جابجایی این آب در دو ظرف اکسیژن را مجدداً به آن برگرداند و مزه آن را بهتر کرد.

کلرزنی
 می توان با کشتن میکروبه ها به کمک مواد شوینده خانگی حاوی ۵/۲۵ تا ۶ درصد هیپوکلریت سدیم نیز آب را تصفیه نمود. از آنجایی که قدرت این مواد با گذشت زمان کاهش می یابد، بهتر است از مواد موجود در ظروف باز نشده یا تازه باز شده استفاده کرد.

می توان ۱۶ قطره از این مواد (۱/۸ قاشق چایخوری) را به یک گالن آب (۴ لیتر) اضافه کرده و بهم زد. بعد از نیم ساعت، آب حاصله هنوز مختصری بوی مواد را می دهد. اگر چنین بویی وجود نداشته باشد، باید مجدداً به آن ماده پاک کننده اضافه کرده و اجازه داد تا ۱۵ دقیقه دیگر باقی بماند. اگر باز هم بویی از آن استشمام نشد، لازم است آن را در قوری ریخته و از منبع آب دیگری استفاده شود (چون این حالت دال بر آلودگی فوق العاده شدید آب است).

ضد عفونی کردن توسط نور خورشید
 قرار دادن آب در معرض نور خورشید اکثر میکروب های بیماری زا را از بین می برد. یک روش ساده برای ضد عفونی کردن قرار دادن بطری پلیاستیک و یا شیشه های متواری آب در معرض نور خورشید است. این موضوع بیشتر مناسب مناطق گرمسیری بوده و حداقل زمان برای ضد عفونی شدن آب حدود ۶ ساعت قرار گرفتن در معرض نور خورشید در زمان تابش کامل آن و آن هم در میانه روز است. هنگامی که آب کدر است بهتر است زمان نوردهی به ۲ برابر افزایش یابد.

موسسه آموزش عالی علمی - کاربردی هلال احمر ایران (آموزش همگانی)